



گفت و گو با

## دکتر حبیب‌الله عظیمی

معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی و رییس سابق بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران

### اشاره

بخش نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، یکی از غنی‌ترین مراکزی است که گنجینه‌ای ارزشمند از نسخ خطی فارسی و عربی را در خود جای داده است. بی‌شک آشنایی پژوهشگران حوزه ادبیات با این مجموعه در پیشبرد اهداف علمی بسیار مفید خواهد بود. آقای دکتر حبیب‌الله عظیمی معاون کتابخانه ملی است و بخش نسخ خطی نیز از حوزه‌های تحت سرپرستی ایشان است. فرصتی دست داد تا با ایشان گفت‌وگویی داشته باشیم و درباره فعالیت‌های بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران صحبت کنیم. آنچه می‌خوانید، حاصل این گفت‌وگوست.

\*\*\*

آقای دکتر عظیمی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی زیر نظر شما اداره می‌شود، از حضرت عالی تقاضا می‌کنم درباره مجموعه نسخ خطی که در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود صحبت نمایید و

توضیحات لازم را در این مورد به صورت اجمال بیان بفرمایید.

دکتر عظیمی: به نام خدا. قاعدتاً از قرن دوم هجری که کاغذ تولید می‌شود و کم‌کم در حوزه جوامع اسلامی نیز پخش می‌گردد، در اندک زمانی به ایران، عراق، شام و مصر نیز وارد می‌شود. از این زمان که کاغذ بین مسلمانان تولید می‌شود، قاعدتاً دستنوشته‌هایی که روی پوست و پاپیروس نوشته می‌شده است، بر روی کاغذ منتقل می‌شود و از آن به بعد کتاب‌های کاغذی بین مسلمانان رایج می‌شود؛ بنابراین تدوین و تألیف کتاب کاغذی از نیمه قرن دوم به بعد رواج بیشتری می‌یابد تا قرن سیزدهم که بحث چاپ سری و سنگی به میان می‌آید و کم‌کم تولیدات خطی و دستنوشته‌های خطی به چاپ سنگی و سربی تبدیل می‌شود؛ لذا ما می‌توانیم محدوده زمانی تولید کتاب‌های خطی را در قالب کاغذی آن از قرن دوم تا قرن سیزدهم بدانیم و در این مقطع به بررسی آن بپردازیم. واقعیت این است که شمار زیادی از دانشمندان اسلامی، ایرانی‌تبار بودند؛ بنابراین تعداد زیادی از کتاب‌های آنها به زبان فارسی نوشته می‌شد، تعدادی هم به زبان عربی بود. به گونه‌ای که اگر امروزه



واقعیت این است که تعداد زیادی از مجموعه‌های شخصی که نسخه‌های خطی در آنها نگهداری می‌شود، سابقاً شناسایی نشده و در آمار رسمی نیامده بود؛ اما در دو سال اخیر کتابخانه ملی نقش مؤثری در شناسایی این نسخه‌ها ایفا کرد و تعداد واقعی این نسخه‌ها اعلام شد و بانک‌های اطلاعاتی نسخه‌های خطی نظیر پایگاه اطلاعاتی نسخه‌های خطی آقای گل‌باز (پایگاه اینترنتی «آقابزرگ») و آقای درایتی هم، این آمار را تأیید می‌کند. هنوز هم برخی از مجموعه‌های شخصی هستند که آمار دقیقی از نسخه‌های خطی آنها در دست نیست؛ لذا لازم است این مجموعه‌ها شناسایی شوند تا ما بتوانیم آمار دقیقی در زمینه تعداد نسخه‌های خطی اعلام نماییم. بحث دیگری که در زمینه نسخه‌های خطی مطرح است، حفاظت و نگهداری آنهاست. طبیعتاً اگر نسخه‌های خطی که میراث دانشمندان این مرز و بوم است، به خوبی نگهداری نشوند، دو عامل تهدیدکننده جدی، آنها را در معرض نابودی قرار می‌دهد. عامل نخست، آفت‌ها و قارچ‌ها و نیز رطوبت و درجه حرارت نامتعادل است و ما در کتابخانه ملی تلاش می‌کنیم این اصول را رعایت کنیم و نیز به مجموعه‌دارهای خصوصی که مایل نیستند نسخه‌های خطی خود را بفروشند، در این زمینه مشاوره می‌دهیم و به آنها کمک می‌کنیم که شرایط استاندارد را فراهم نمایند. عامل دومی هم که نسخه‌های خطی را در معرض نابودی قرار می‌دهد سرقت و حوادث غیرمترقبه است. سرقت و قاچاق مسأله بسیار مهمی است. وقتی نسخه خطی از کشور خارج می‌شود، نمی‌دانیم به کجا می‌رود. اگر بدانیم وقتی از کشور خارج می‌شود، هویت آن معلوم است و در موزه‌های بین‌المللی نگهداری می‌شود، مسأله زیاد نگران‌کننده نیست؛ اما بسیاری از این نسخه‌ها، پس از اینکه از کشور خارج می‌شود معلوم نیست به کجا برده

کتابخانه‌هایی را که نسخ خطی در آنها نگهداری می‌شود جست‌وجو نماییم متوجه می‌شویم نیمی از این کتاب‌ها به زبان عربی و نیمی دیگر به زبان فارسی است و شماری از کتاب‌هایی هم که به زبان عربی است، محصول دانشمندان ایرانی است و ما می‌بینیم که دانشمندان ایرانی در تألیف و تولید کتاب سهم بیشتری داشته‌اند؛ لذا انتظار ما این است که در محدوده جغرافیایی ایران قدیم و نیز ایران جدید، نسخه‌های خطی بیشتری وجود داشته باشد؛ اما هجوم و تاخت و تاز مغولان به ایران و آتش‌سوزی‌هایی که در آن دوره در کتابخانه‌ها رخ داد، سبب از بین رفتن شمار زیادی از کتاب‌های خطی شد. در دوره‌های بعد نیز خروج نسخه‌های خطی توسط نظامیان انگلیسی که در قالب مستشار به ایران می‌آمدند، سبب شد که در فاصله قرن پانزدهم تا هفدهم میلادی بسیاری از کتابخانه‌هایی که نسخ خطی در آنها نگهداری می‌شد در معرض نابودی قرار گیرد. این عامل در کشوری مثل ترکیه به دلیل حاکمیت عثمانی‌ها کمتر به چشم می‌خورد؛ تا به آنجا که چند سال پیش مؤسسه الفرقان در آماری که از دست‌نوشته‌ها و نسخه‌های خطی جهان اسلام منتشر کرد، کشور ترکیه با دارا بودن دویست هزار نسخه خطی مقام نخست را به دست آورد و ایران به رغم سابقه‌ای که در تولید نسخه‌های خطی دارد به لحاظ دو عاملی که ذکر کردم یعنی از بین رفتن نسخه‌های خطی به دلیل هجوم مغولان و نیز خروج نسخه‌های خطی توسط مستشاران انگلیسی، مقام دوم را به دست آورد. اما در چند سال اخیر که مراکز جدید نگهداری نسخه‌های خطی شناسایی شدند و نیز مجموعه‌دارهای شخصی که تعداد نسخ خطی مجموعه‌های خود را به طور دقیق اعلام نمودند، تصور ذهنی بنده این است که تعداد نسخه‌های خطی که در داخل ایران وجود دارد، بیش از ۳۰۰ هزار نسخه است.

## در چند سال اخیر که مراکز جدید نگهداری نسخه‌های خطی شناسایی شدند و نیز مجموعه‌دارهای شخصی که تعداد نسخ خطی مجموعه‌های خود را به طور دقیق اعلام نمودند، تصور ذهنی بنده این است که تعداد نسخه‌های خطی که در داخل ایران وجود دارد، بیش از ۳۰۰ هزار نسخه است.

هدف چند راه پیشنهاد کردیم. نخست اینکه به کسانی که نسخه‌های خطی دارند پیشنهاد کنیم که نسخه‌های خطی خود را بفروشند. به این صورت که کارشناسان بعد از شناسایی نسخه‌ها بر روی آنها قیمت‌گذاری نمایند و ما براساس آن، این نسخه‌ها را از صاحبان آنها خریداری نماییم. به کسانی هم که مایل نیستند نسخه‌های خطی خود را به دلایل مختلف از جمله اینکه آن را میراث خانوادگی خود می‌دانند، بفروشند، پیشنهاد می‌کنیم که نسخه‌های خطی خود را به عنوان امانت در صندوق امانه کتابخانه ملی بگذارند و ما در صندوق امانه این کتاب‌ها را ضد عفونی و اسکن و شناسایی می‌کنیم و اسکن آنها را در اختیار مالکان قرار می‌دهیم و این نسخه‌ها با مالکیت مالک، به صورت امانت در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود و مالک هر زمان خواست می‌تواند این نسخه‌ها را پس بگیرد. مزیت این کار آن است که نسخ خطی در شرایط استاندارد نگهداری می‌شود و از بین نمی‌رود. سومین راهی که پیشنهاد کردیم این است که اگر مالک به هر دلیلی اصرار داشت نسخ خطی را در منزل شخصی خود نگهداری نماید، در آن محل شرایط استاندارد ایجاد نماییم تا این نسخه‌ها حفظ شود و از بین نرود. همچنین نسخه‌ها را شناسایی می‌کنیم و از مالک می‌خواهیم اجازه دهد اسکن آنها را تهیه نماییم و این نسخه‌ها را در چرخه اطلاع‌رسانی قرار دهیم. خلاصه اینکه در دو سال گذشته کتابخانه ملی در جمع‌آوری و خریداری نسخ خطی بسیار فعال عمل کرده است. ما در گذشته با مشکلی جدی مواجه بودیم و آن اینکه اکثر مالکان خصوصاً آنها که در شهرستان‌های مختلف زندگی می‌کردند به مراکز دولتی اعتماد نمی‌کردند و کتاب‌های خود را در اختیار آنها قرار نمی‌دادند؛ اما با نقش فعالی که ما در این زمینه ایفا کردیم توانستیم اعتماد بسیاری از مالکان را جلب نماییم؛ به گونه‌ای که بسیاری از آنها مجموعه‌های خود را در اختیار ما قرار دادند و کارشناسان ما توانستند این نسخه‌ها را شناسایی و بر روی آنها قیمت‌گذاری کنند. پس از قیمت‌گذاری، کسانی که مایل بودند، نسخه‌های خود را در اختیار ما قرار دادند و کسانی که مایل نبودند با نظارت ما، این نسخه‌ها را در محل مورد نظر خود نگهداری کردند. همچنین ما ارتباط و همکاری متقابلی بین کتابخانه ملی و نیز کتابخانه‌های معتبری که نقش برجسته‌ای در شناسایی، جمع‌آوری و اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی دارند، ایجاد نمودیم و نشست‌های مختلفی در زمینه نسخه‌های خطی برگزار کردیم و هم‌اکنون نیز این نشست‌ها را ادامه می‌دهیم. همچنین قصد داریم مرکز ساماندهی نسخه‌های خطی داخل را با همکاری کتابخانه بزرگ راه‌اندازی نماییم.

لطفاً در زمینه دیجیتالی کردن نسخه‌های خطی و نیز فهرست‌نویسی آنها و فعالیت‌هایی که در این زمینه در کتابخانه ملی

می‌شود و هویت آن مشخص نیست و این به معنای نابودی آن است. بحث دیگر اطلاع‌رسانی و شناسایی نسخه‌های خطی است. قاعدتاً نسخه خطی تا زمانی که شناسایی نشود، هویت مشخصی ندارد و به متابه طفلی است که شناسنامه ندارد و تا شناسنامه‌دار نشود و به طور رسمی هویت پیدا نکند، این طفل در معرض نابودی است. لذا معرفی نسخه‌های خطی امر لازم و ضروری به منزله تعیین هویت آنهاست و وظیفه کارشناسان باتجربه است که این نسخه‌ها را شناسایی کنند و اگر کارشناس باتجربه نتواند این نسخه‌ها را شناسایی و معرفی کند، در حقیقت منجر به نابودی آنها می‌گردد؛ چرا که از نظر ما معرفی نشدن نسخه‌های خطی در واقع به معنای نابودی آنهاست. اگر کتابی خطی هویت‌دار نشود یعنی برگه شناسایی نداشته باشد و فهرست نشود، در سیکل اطلاع‌رسانی قرار نمی‌گیرد؛ لذا محبوس است و محقق به آن دسترسی پیدا نمی‌کند. حتی اگر نسخه خطی، برگه شناسایی هم داشته باشد اما در سیکل و چرخه اطلاع‌رسانی قرار نگیرد و محقق نتواند به آن دسترسی پیدا کند، باز به عقیده ما اگر چه در معرض نابودی نیست، محبوس است و ما معتقدیم تفاوت کتاب خطی با شیء عتیقه این است که کتاب خطی برای حفظ شدن باید در چرخه اطلاع‌رسانی قرار گیرد و محققان باید به آن دسترسی داشته باشند و بتوانند از مفاد آن استفاده نمایند؛ به این دلیل که هر نسخه خطی می‌تواند نقش مهمی در تاریخ علم ما ایفا کند؛ بنابراین تا شناسایی نشود، تاریخ علم، کامل نیست؛ لذا شناسایی نسخه‌های خطی و معرفی آن و قرار گرفتن آن در چرخه اطلاع‌رسانی مسأله بسیار مهمی است. امروزه بسیاری از کتابخانه‌های دنیا دارای سیستم دیجیتالی است و بین کتابخانه‌های مختلف تعامل وجود دارد. بنابراین این کتاب‌ها پس از معرفی، وارد سیستم دیجیتالی می‌شود و بین کتابخانه‌های داخل و خارج و نیز مراکز تحقیقاتی داخل و خارج کشور، تصویر آنها مبادله می‌شود؛ از این رو با وارد شدن این کتاب‌ها در سیستم دیجیتالی، دسترسی محققان در سراسر دنیا به این کتاب‌ها امکان‌پذیر خواهد بود و به همین دلیل است که ما لازم می‌دانیم کلیه کتاب‌های خطی را وارد سیستم دیجیتالی نماییم. بنابراین وظیفه ما در کتابخانه ملی این است که نخست آثار مکتوب ایرانیان را در قالب نسخه‌های خطی، جمع‌آوری نماییم و در مرحله بعد این آثار را ساماندهی نماییم و در چرخه اطلاع‌رسانی قرار دهیم. از دو سال پیش که ساختمان جدید کتابخانه ملی آماده شد و از هر حیث با شرایط استاندارد منطبق گردید، فعالیت وسیعی را در زمینه جمع‌آوری نسخه‌های خطی در داخل کشور آغاز کردیم و به این نتیجه رسیدیم که بهترین راه برای خروج غیرقانونی نسخه‌های خطی از کشور این است که در گردآوری این نسخه‌های خطی فعال و جدی عمل نماییم و برای دستیابی به این



#### انجام می‌شود، توضیحات لازم را بیان نمایید.

**عظیمی:** ما از چندین سال قبل در کتابخانه ملی دوره‌های آموزشی برای آموزش فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی دایر کردیم و از همکاران داخل سازمان و کارشناسان خود و نیز کارشناسان کتابخانه‌های دیگر دعوت کردیم که در این دوره‌ها شرکت نمایند. افزون بر آن هم‌اکنون در حال طراحی کارگاه‌های آموزشی هستیم که به زودی در این زمینه اطلاع‌رسانی خواهیم کرد و از استادان این حوزه دعوت به عمل می‌آوریم که در این کارگاه‌ها حضور یابند و علاقه‌مندان را راهنمایی نمایند. اولین دوره این کارگاه‌های آموزشی نیز از چهاردهم مرداد ماه آغاز شد. همچنین قصد داریم برای علاقه‌مندان خارجی هم کارگاه‌های آموزشی دایر نماییم و اساساً یکی از محورهای اصلی که در تفاهم‌نامه‌هایی که با کتابخانه‌ها و مراکز بزرگ نسخ خطی خارج از کشور منعقد می‌کنیم و به آن توجه می‌نماییم، ایجاد همین کارگاه‌ها و مراکز آموزشی است و در زمینه آموزش کارشناسان نسخه‌های خطی همیشه اعلام آمادگی کرده‌ایم. از کارهای برجسته دیگری که قصد داریم در این زمینه انجام دهیم، ایجاد دوره دانشگاهی نسخه‌شناسی در دوره فوق‌لیسانس برای دانشجویان داخلی و خارجی است و از آنجا که تاکنون در این حوزه فارغ‌التحصیل رسمی دانشگاهی نداشته‌ایم، گمان می‌کنیم اتفاقی خوب و سودمند باشد. همچنین لازم است تعدادی دانشجوی خارجی نیز در این حوزه تربیت شوند زیرا در آسیای میانه و حتی ترکیه و شبه قاره هند و پاکستان که نسخه‌های خطی فارسی فراوان است، به دلیل عدم حضور کارشناس فارسی، بسیاری از نسخ خطی فارسی دست‌نخورده باقی می‌ماند و کاری بر روی آنها انجام نمی‌شود. اخیراً کار مهم دیگری نیز در این حوزه انجام شده است و آن اینکه سال گذشته آقای اشعری پس از دیداری که از کتابخانه ملی ترکیه و نیز کتابخانه سلیمانیه داشتند، اعلام آمادگی کردند که پس از دریافت لوح فشرده نسخه‌های خطی فارسی موجود در این کتابخانه‌ها، ما این نسخه‌ها را از طریق لوح فشرده شناسایی کنیم و متن دیجیتال نسخه خطی فارسی را به همراه فهرست آن به این کتابخانه‌ها تحویل دهیم. غیر از این دو کتابخانه،

با کتابخانه‌های دیگری نیز در خارج از کشور گفت‌وگو کرده‌ایم و قصد داریم همین تعامل را با کتابخانه‌های دیگر نیز داشته باشیم. همچنین اعلام آمادگی کرده‌ایم که بر روی نسخ خطی عربی نیز همین کار را انجام دهیم و فهرست آنها را تهیه نماییم. مراکز و کتابخانه‌های مختلفی در خارج از کشور که نسخه‌های خطی فارسی در اختیار دارند از ما می‌خواهند کارشناسانی به این کشورها اعزام کنیم، اما از آنجا که اعزام کارشناس به دلیل محدودیتی که در این زمینه وجود دارد برای ما به آسانی امکان‌پذیر نیست، قصد داریم دوره‌های آموزشی دانشگاهی را راه‌اندازی نماییم تا کارشناسان کشورهای مختلف بتوانند در داخل کشور آموزش‌های لازم را دریافت نمایند. همچنین اعلام آمادگی کرده‌ایم که چه در داخل و چه در خارج از کشور کارگاه‌های آموزشی چند روزه برگزار نماییم. مثلاً اگر در کشورهای مختلف آسیای میانه یا شبه‌قاره هند و پاکستان و یا ترکیه، افرادی باشند که زبان فارسی یا عربی بدانند، ما می‌توانیم کلاس‌هایی به زبان فارسی یا حتی عربی برای آنها برگزار کنیم. برگزاری این کلاس‌ها به زبان انگلیسی منطقی نیست؛ زیرا کسی که می‌خواهد بر روی نسخ خطی فارسی یا عربی کار کند باید به زبان فارسی و عربی مسلط باشد. حال ممکن است کسی اصلاً فارسی نداند ولی با تسلط به زبان عربی، می‌تواند شناسایی مختصری بر روی نسخه‌های خطی فارسی داشته باشد؛ لذا ما در ارتباطاتی که با این کشورها داشته‌ایم اعلام آمادگی کرده‌ایم که این کارگاه‌های آموزشی را ایجاد نماییم. البته ما در این زمینه، سابقه آموزشی نیز داریم؛ چند سال پیش افرادی از کتابخانه ملی عمان به ایران آمدند و یک دوره آموزشی چندروزه به زبان عربی برای آنها برگزار کردیم و در آخر نیز به آنها مدرک دادیم.

هم‌اکنون نیز در حال عملیاتی کردن این آموزش‌ها هستیم. در زمینه دیجیتالی کردن نسخه‌های خطی نیز باید بگوییم هم‌اکنون ما نسخه‌های خطی را که در داخل و خارج از کشور وجود دارد اسکن می‌کنیم. به طور کلی کشورهایی که کتابخانه‌های آنها از پشتوانه مالی بهتری برخوردار هستند، نسخه‌های خطی خود را دیجیتالی می‌کنند. لذا این قبیل کتابخانه‌ها دارای پایگاه‌های اسکن شده به همراه فهرست هستند که ما می‌توانیم جست‌وجو کنیم، عناوین کتاب‌ها را انتخاب کنیم و از تصاویر موجود در پایگاه‌های آنها استفاده نماییم. کشورهایی نظیر ترکیه و نیز کشورهای عربی به دلیل حمایت‌هایی که به عمل آورده‌اند، کتابخانه‌هایشان از این سیستم به نحو شایسته‌ای سود می‌برد. کشورهایی نظیر شبه قاره هند و پاکستان به دلیل فقر مالی در همه کتابخانه‌ها و بر روی همه نسخه‌ها این کار صورت نگرفته است که لازم است به زودی این کار انجام شود. البته این کار در حال انجام است اما

## از کارهای برجسته دیگری که قصد داریم در این زمینه انجام دهیم، ایجاد دوره دانشگاهی نسخه‌شناسی در دوره فوق‌لیسانس برای دانشجویان داخلی و خارجی است و از آنجا که تاکنون در این حوزه فارغ‌التحصیل رسمی دانشگاهی نداشته‌ایم، گمان می‌کنیم اتفاقی خوب و سودمند باشد.

عرصه وجود دارد و نیز اهلیت نداشتن کسانی که بر روی این نسخ خطی کار کرده‌اند، سبب بی‌اعتمادی این افراد گردیده است. اما هم‌اکنون که ما با کتابخانه‌های خارج از کشور ارتباط داریم، اعمال چنین محدودیت‌هایی منطقی نیست. بنابراین موضوع یکی از نشست‌هایی که ما در کتابخانه ملی برگزار می‌کنیم، رسیدن به یک اطلاع‌رسانی مشترک بین کتابخانه ملی و سایر کتابخانه‌های بزرگ است. بدین معنی که کتابخانه‌هایی که دارای نسخه‌های خطی هستند به نظام اطلاع‌رسانی مشترکی در زمینه نسخه‌های خطی دست یابند و این نظام را راه‌اندازی نمایند و این‌گونه نباشد که هر کتابخانه‌ای به روش خود اطلاع‌رسانی نماید و سعی ما این است که این نظام اطلاعاتی کاملاً امروزی و قابل دسترسی برای محققان باشد. در مرحله بعد نیز قصد داریم با کتابخانه‌های خارج از کشور چنین ارتباط و تعاملی را ایجاد نماییم.

**به نظر می‌آید در این عرصه، قدم مهم‌تر، تسهیل شرایط دسترسی به این نسخه‌ها است.**

**عظیمی:** واقعیت این است که ایجاد نظام اطلاع‌رسانی قانونمند در راستای دستیابی به چنین هدفی است. امروزه در کشور ما هر کتابخانه‌ای مطابق آیین‌نامه خود، کتاب‌های خطی را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد؛ حال آنکه اگر ما بتوانیم به شیوه اطلاع‌رسانی واحدی دست یابیم، امکان دسترسی به این نسخه‌ها آسان‌تر می‌شود. چرا که در بسیاری موارد محدودیت‌هایی که در زمینه دسترسی به نسخه‌های خطی قائل می‌شوند، محدودیت‌های سلیقه‌ای است و تعریف شده نیست. لذا اگر نسخه‌های خطی طبق نظامی قانونمند در اختیار پژوهشگران قرار گیرد، دغدغه اصلی صاحبان نسخه خطی که عدم صلاحیت پژوهشگران است، رفع می‌شود و نسخه‌های خطی با سهولت بیشتری در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. ما در کتابخانه ملی به محض اینکه مطلع می‌شویم محقق قصد سودجویی ندارد و صرفاً برای تحقیق و پژوهش به سراغ نسخه خطی آمده است، به راحتی نسخه خطی را در اختیار او قرار می‌دهیم. اما گاه به ندرت مشاهده می‌شود که فردی می‌آید و تعدادی نسخه منحصر داخلی را اسکن می‌کند و سپس آن را به فروش می‌رساند؛ بنابراین اگر ما محدودیتی در این زمینه لحاظ می‌کنیم برای جلوگیری از این قبیل سودجویی‌هاست. برای نمونه کتابخانه بریتیش لایبری (british library)، وقتی میکرو فیلم نسخه خطی خود را در اختیار محقق قرار می‌دهد، پول زیادی از او دریافت می‌کند؛ ضمن اینکه از او امضا می‌گیرد که شما حق ندارید مالکیت این میکروفیلم را به غیر منتقل کنید. مثلاً اگر کسی میکروفیلم کتابخانه بریتیش لایبری را در اختیار داشته باشد و بعد از اتمام کارش بخواهد آن را به ما بفروشد و یا اهدا کند ما نمی‌توانیم آن را بپذیریم زیرا اگر هم قبول کنیم، نمی‌توانیم

طبیعی است که دسترسی به آن محدود است و فقط با در اختیار داشتن کلمه عبور می‌توان به آن دسترسی یافت. در کشورهایی نظیر مصر و ترکیه روال کار این است که دسترسی به برگ اول و آخر نسخه آزاد است اما دسترسی به صفحات بیشتر نیاز به کلمه عبور دارد.

**البته در تعدادی از دانشگاه‌های آمریکا که کتابخانه‌های آنها دارای سیستم دیجیتالی است، به صورت نامحدود می‌توان از صفحات کتاب‌ها استفاده کرد. همچنین در مجموعه کارو میناسیان است دسترسی به تمام صفحات کتاب امکان‌پذیر است.**

**عظیمی:** اگرچه در برخی از کتابخانه‌های آمریکا محدودیتی در دسترسی به صفحات کتاب‌ها وجود ندارد؛ باید بپذیریم که تعداد این کتابخانه‌ها و نیز تعداد کتاب‌هایی که دسترسی به تمام صفحات آن امکان‌پذیر است بسیار محدود است. اما ما می‌توانیم این کتاب‌ها را که دسترسی به تمام صفحات آن امکان‌پذیر است در بانک‌های اطلاعاتی ذخیره کنیم و از آنها استفاده نماییم.

**به نظر می‌رسد که اگر در کتابخانه ملی نیز چنین کاری صورت بگیرد، تحولی بزرگ در این عرصه محسوب می‌شود.**

**عظیمی:** بله دقیقاً همین طور است. ما کار مشترکی با خانه کتاب انجام داده‌ایم و پایگاه اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی را ایجاد کرده‌ایم. در این پایگاه اطلاعاتی حدود ۲۸۰ هزار عنوان نسخه خطی گردآوری شده است و در مرحله بعد نیز قصد داریم اطلاعات نسخه‌های خطی موجود در خارج از کشور را گردآوری کنیم و نرم‌افزار آن را تهیه نماییم و امکان جست‌وجوی آن را فراهم آوریم. هم‌اکنون به دلیل اینکه کتابخانه‌های موجود در داخل کشور و نیز فهرست کتاب‌های آنها پراکنده است و فهرست آنها در یک جا متمرکز نیست، بررسی این فهرست‌ها کار بسیار مشکلی است، حال آنکه این پایگاه اطلاع‌رسانی ۲۸۰ هزار عنوان کتاب را جمع‌آوری کرده است و به سرعت مشخصات آن را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

**البته همان‌گونه که مستحضر هستید برخی از کتابخانه‌های بزرگ تهران که صاحب مجموعه‌های خطی هستند و از نظر قدمت نیز از کتابخانه‌های برجسته کشور به شمار می‌آیند، بخش مجموعه‌های خطی آنها به نحو کاملاً سنتی اداره می‌شود و حتی گاه به مراجعه‌کنندگان می‌گویند که نسخه خطی در صندوق است و این مسأله دسترسی به نسخ خطی را با مشکل مواجه می‌سازد.**

**عظیمی:** بلکه کاملاً درست است و متأسفانه دیدگاه اطلاع‌رسانی بسیاری از افراد نسبت به نسخ خطی، دیدگاه درستی نیست و حتی اساتید بسیاری وجود دارند که نسخه‌های خطی را به آسانی در اختیار کسی نمی‌گذارند و این مسأله بی‌دلیل نیست. سودجویی‌هایی که در این

## تفاهم‌نامه‌هایی که ما با کتابخانه‌های خارجی امضا می‌کنیم عمدتاً در قالب مبادلات نسخه‌های خطی است، لذا اگر محققى به سراغ ما بیاید و از ما درخواست کند که نسخه خطی‌ای در اختیار او قرار دهیم ما با کتابخانه‌ای که این نسخه خطی را در اختیار دارد، مکاتبه می‌کنیم و در ازای دریافت مبلغی نسخه خطی مورد نظر را دریافت می‌کنیم و در اختیار شخص مراجعه‌کننده قرار می‌دهیم.

اگر ممکن است در مورد کتابخانه‌هایی که بین آنها و کتابخانه ملی تفاهم‌نامه امضا شده است توضیحاتی بیان نمایید.

عظیمی: ما با کتابخانه‌های اکثر کشورهای خارجی تفاهم‌نامه همکاری داریم خصوصاً کتابخانه‌هایی که دارای نسخ خطی فراوان هستند. تفاهم‌نامه‌هایی که ما با کتابخانه‌های خارجی امضا می‌کنیم عمدتاً در قالب مبادلات نسخه‌های خطی است، لذا اگر محققى به سراغ ما بیاید و از ما درخواست کند که نسخه خطی‌ای در اختیار او قرار دهیم ما با کتابخانه‌ای که این نسخه خطی را در اختیار دارد، مکاتبه می‌کنیم و در ازای دریافت مبلغی نسخه خطی مورد نظر را دریافت می‌کنیم و در اختیار شخص مراجعه‌کننده قرار می‌دهیم. برای نمونه رابطه ما با کتابخانه جمعه‌الماجد در دبی به صورت مبادله‌ای است؛ به این معنی که در ازای دریافت هر نسخه خطی، ما نیز نسخه خطی در اختیار آنها قرار دهیم.

اگر ممکن است درباره تعداد نسخ خطی که در کتابخانه ملی وجود دارد و نیز موضوعات آنها توضیحاتی بیان نمایید.

عظیمی: ما هم‌اکنون در کتابخانه ملی بالغ بر ۲۵ هزار نسخه خطی داریم و تقریباً نیمی از آن به زبان عربی و نیمی دیگر به زبان فارسی است و تعداد بسیار اندکی نیز به زبان ترکی و اردو است؛ لذا اکثریت قریب به اتفاق این نسخه‌ها به زبان عربی و فارسی است و موضوع این نسخ خطی عمدتاً علوم اسلامی، ادبیات فارسی، ادبیات عرب و علوم محض مثل ریاضیات و نجوم است و به طور کلی می‌توان گفت این نسخ خطی همه موضوعات را در بر می‌گیرد.

ما نیز در جمع‌آوری نسخ خطی محدودیتی از لحاظ موضوع نداریم؛ یعنی این‌گونه نیست که نسخ خطی‌ای را که دارای موضوع خاصی هستند جمع‌آوری نماییم؛ بلکه کار ما جمع‌آوری همه نسخ خطی است؛ البته طبیعی است که شمار کتاب‌هایی که در زمینه علوم اسلامی و ادبیات فارسی وجود دارد، بیشتر است. شماری از این کتاب‌ها نیز مربوط به حوزه‌های هنری است و از کتاب‌های نفیس هنری به شمار می‌آید، دیوان‌های مختلف شعری و قرآن و نیز صحیفه‌هایی که مصور است و تزئینات گوناگون دارد، مربوط به همین حوزه است و ما در بحث خرید نسخ خطی همه این عوامل را لحاظ می‌کنیم.

**خليفة: آقای دکتر، قدیمی‌ترین نسخه خطی که تاکنون شناسایی کرده‌اید، چه نسخه‌ای است و مربوط به کدام دوره است؟**

عظیمی: قدیمی‌ترین نسخه‌ای که تاکنون شناسایی کرده‌ایم، کتاب «الخلاص» از ادیب نطنزی است که لغتنامه عربی - فارسی است و در سال ۴۹۵ هـ ق نوشته شده است و حدوداً هزار سال از کتابت آن می‌گذرد. تعدادی نیز دست نوشته قرآن بر روی پوست وجود دارد که



آن را در چرخه اطلاع‌رسانی قرار دهیم زیرا برای آن کپی رایت قائل است. بنابراین ما موظف هستیم که این قانون را رعایت کنیم و اگر هم قصد کردیم از آن استفاده نماییم باید از کتابخانه بریتیش لایبرری اجازه بگیریم و در صورت اجازه آنها از آن استفاده نماییم. بنابراین نمی‌توانیم این میکروفیلم را در داخل سایت قرار دهیم و همچنین کپی آن را در اختیار کسی قرار دهیم. حال آنکه مرکز دیگری غیر از کتابخانه ملی ممکن است این میکروفیلم را بگیرد و حتی آن را به فروش برساند. ما مراکزی را می‌شناسیم که اسکن نسخه‌های خطی خارج از کشور را جمع‌آوری می‌کنند و آنها را به فروش می‌رسانند.

**این مشکل نیز مربوط به بحث پایان‌ناپذیر کپی‌رایت است که متأسفانه در ایران بسیار به چشم می‌خورد.**

عظیمی: بله همین‌طور است. اما ما برای جلوگیری از این قبیل مسائل در کتابخانه ملی از محقق می‌خواهیم اصول و ضوابط موجود در این زمینه را رعایت کند و معمولاً هم محققان این اصول و ضوابط را رعایت می‌کنند و افرادی هم که رعایت نکنند طبیعتاً نسخه خطی در اختیار آنها قرار نمی‌دهیم، لذا به عقیده من اگر رویکرد کلی سایر کتابخانه‌ها نیز همین باشد، این مشکل حل می‌شود.

قدیمی‌ترین نسخه‌ای که تاکنون شناسایی کرده‌ایم، کتاب «الخلاص» از ادیب نطنزی است که لغتنامه عربی - فارسی است و در سال ۴۹۵ هـ ق نوشته شده است و حدوداً هزار سال از کتابت آن می‌گذرد. تعدادی نیز دستنوشته قرآن بر روی پوست وجود دارد که مربوط به قرن دوم هـ ق است. چند قرآن خطی نیز از قرن ۳ و ۴ هـ ق در اختیار داریم که بر روی پوست نوشته شده است.

ملی نگهداری می‌شود و در سایر کتابخانه‌ها چنین کتابی موجود نیست. چنین نسخه‌های منحصره‌فردی کم نیستند و ما فراوان از این نسخه‌ها در اختیار داریم.

من مطلع هستم که مجامع علمی خارج از ایران که در زمینه نسخ خطی فعالیت می‌کنند، چه نسخ خطی ایرانی - اسلامی و چه دستنوشته‌های خطی لاتین، انگلیسی و فرانسه، به خاطر امکانات مالی که در اختیار دارند، سرمایه‌های زیادی نیز در این راه صرف می‌کنند. غیر از این مجامع، کتابخانه‌های دانشگاه‌ها بزرگ کشورهای اروپایی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام می‌دهند، لذا در این کشورها انجمن و تشکلی به وجود آمده است که امور مربوط به این مؤسسات را هدایت و سازماندهی می‌کند. برای نمونه در آمریکا انجمنی وجود دارد که همه مؤسسات و سازمان‌هایی که در زمینه نسخ خطی فعالیت دارند، در این انجمن عضو هستند و فعالیت‌هایشان توسط این انجمن هدایت می‌شود. سؤالی که بنده از حضور شما دارم، این است که در ایران چقدر امکان تشکیل چنین سازمان و انجمنی وجود دارد؟

عظیمی: بنده در صحبت‌هایم خدمت شما عرض کردم که یکی از اهداف ما در کتابخانه ملی تشکیل انجمنی برای ساماندهی نسخ خطی با همکاری دیگر مراکز بزرگ و معتبر در این زمینه است. ما نیز از وجود این مراکز و انجمن‌ها در سایر کشورها مطلع هستیم و به همین منظور قصد داریم در اینجا نیز چنین مرکزی را راه‌اندازی نماییم. برای نمونه در دانشگاه کمبریج چند سالی است که اتحادیه نسخ خطی اسلامی راه‌اندازی شده است. این اتحادیه در کنار فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد هر سال همایشی در زمینه نسخ خطی برگزار می‌کند. دانشگاه کمبریج به همراه مرکز هزاروس اسلامی در لندن این اتحادیه را راه‌اندازی نموده است که در این اتحادیه پیرامون جنبه‌های مختلف نسخ خطی نظیر نگهداری نسخ، فهرست‌نویسی، انتشارات، مسائل مربوط به دیجیتال و غیره تحقیق و بررسی می‌شود و مقاله‌های مختلفی در این زمینه‌ها ارائه می‌گردد؛ اما اینکه چرا تاکنون در ایران چنین مرکز و انجمنی تشکیل نشده است، دلایل متعددی در این زمینه وجود دارد که هدف ما بررسی این دلایل و مرتفع کردن مشکلات موجود در این زمینه است؛ لذا ما برای دستیابی به این هدف درصد برآمدیم که با همکاری کتابخانه‌های بزرگ، انجمنی نیمه‌دولتی راه‌اندازی کنیم یعنی انجمنی که نه کاملاً خصوصی باشد و نه کاملاً دولتی و قصد داریم بعدها در کشورهای دیگر نیز این مراکز را راه‌اندازی کنیم.

اگر ممکن است در مورد مشکلاتی که مانع از شکل‌گیری این قبیل انجمن‌هاست، به طور اجمالی توضیحاتی را بیان نمایید.



مربوط به قرن دوم هـ ق است. چند قرآن خطی نیز از قرن ۳ و ۴ هـ ق در اختیار داریم که بر روی پوست نوشته شده است؛ اما همان‌گونه که عرض کردم قدیمی‌ترین کتاب خطی که در اختیار داریم و بر روی کاغذ نوشته شده است، کتاب‌الخلاص است.

در میان دستخط علما نیز، دستخط خواجه نصیرالدین طوسی را در اختیار داریم، خواجه کتابی دارد به نام «شرح اشارات» و این کتاب شرحی است که خواجه نصیر طوسی بر کتاب «اشارات» بوعلی سینا نوشته است و این کتاب به خط خود خواجه نصیر موجود است. کتاب فصوص ابن عربی را در اختیار داریم با خط شیخ بهایی و همچنین مجموعه و مسائل ملاصدرا را در اختیار داریم که به خط خود او نوشته شده است. کتاب فیض کاشانی را نیز با خط خود او در اختیار داریم. کتاب‌هایی نیز وجود دارند که دانشمندان بزرگ حواشی و یادداشت‌هایی بر آنها نوشته‌اند و این کتاب‌ها نیز از این لحاظ دارای اهمیت هستند. کتاب‌هایی هم هستند که به لحاظ اینکه از نظر هنری نفیس هستند، مثلاً جلد نفیس دارند و یا اینکه دارای حاشیه زر هستند، برای ما حائز اهمیتند. شماری از کتاب‌ها هم دارای عنوان منحصره‌فرد هستند و از این لحاظ اهمیت دارند. به این معنی که مثلاً یک عنوان کتاب در یک موضوع وجود دارد که فقط یک نسخه از آن موجود است و در کتابخانه

**عظیمی:** یکی از مشکلات موجود در این زمینه تزلزل مدیریت و نیز محدودیت اختیار کارشناسان این عرصه است. برای نمونه اگر در دانشگاه کمبریج یک گروه مطالعات شرق‌شناسی توانسته است چنین انجمنی تشکیل دهد، برای این است که بودجه و امکانات لازم را برای این کار دریافت کرده است و یا اگر مرکز هزاروس اسلامی سالی یک همایش در این زمینه برگزار می‌کند برای این است که از این مرکز حمایت می‌شود؛ حال آنکه اگر در ایران مرکزی مثل کتابخانه ملی بخواهد چنین انجمنی تشکیل دهد، مسائل متعددی باید دست به دست هم دهند تا این طرح عملی شود. صلاحیت مدیران، مدیریت درست، رویکرد مدیران به این مسأله و نیز دریافت بودجه لازم و برنامه‌ریزی و ایجاد نظم و انضباط لازم در کار از جمله مسائلی است که در این زمینه باید به آن توجه شود.

میزان ارزشی که مدیران برای کارشناسان و استادان قدیمی قائل هستند و نیز اتحادی که بین مراکز داخلی برای ایجاد چنین انجمنی وجود دارد و همچنین اجماع مجتهدان این عرصه از جمله موضوعات مهم در این زمینه است. از جمله کارهای مهمی که قصد داریم در این زمینه انجام دهیم الفبایی است و از هر طریقی از جمله نام مؤلف، موضوع و کلید واژه قابل جست‌وجو است و این کار پژوهشگر را بسیار آسان می‌کند. همچنین گرایش نسل جوان را به این موضوعات بیشتر می‌کند. نسل جدید ما به دلیل گستردگی حوزه نسخه‌های خطی، به سراغ این حوزه نمی‌آیند؛ حال آنکه امکانات جست‌وجوی راحت سبب می‌شود نسل جدید هم که اندکی کم‌حوصله هستند با رغبت بیشتری به این حوزه نزدیک شوند.

**به نظر می‌آید که علت عمده گریز نسل جوان از این حوزه، عدم توانایی برای دسترسی به نسخ خطی است. واقعیت این است که در کتابخانه‌هایی که دارای مجموعه‌های بزرگ نسخ خطی هستند، مسئولان بخش‌های نسخ خطی معمولاً استادان سرشناس و باتجربه هستند و این طیف افراد عمدتاً با استادان و پژوهشگران نسل جدید ارتباط خوبی ندارند.**

**عظیمی:** بله همین‌طور است و به همین دلیل ما در کتابخانه ملی در صدد برآمدیم با گروه‌های دانشگاهی مثل ادبیات فارسی و ادبیات عرب تعامل بیشتری برقرار نماییم. از جمله این تعامل‌ها آن است که به دانشجویانی که موضوع پایان‌نامه آنها، کار بر روی نسخ خطی است مشاوره می‌دهیم. به این صورت که نسخه خطی را خودمان انتخاب می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم بر روی آن نسخه خطی کار کنند و در طول کار آنها را هدایت می‌کنیم. از این طریق سعی می‌کنیم ارتباط جوانان آکادمیک را با نسخه‌های خطی بیشتر کنیم.

**به نظر می‌آید مهم‌ترین آفتی که در تمام پژوهش‌های علوم انسانی در مملکت ما مشاهده می‌شود، حاکمیت روحیه پژوهش فردی است و کار گروهی در این عرصه رونقی دارد، نظر شما در این باره چیست؟**

**عظیمی:** بله متأسفانه همین‌گونه است. در مورد فهرست‌نویسی هم وضعیت به همین صورت است. هر فهرست‌نویسی کار و شیوه خود را می‌پسندد و کار افراد دیگر را قبول ندارد، ضمن اینکه شیوه استاندارد هم در این زمینه وجود ندارد؛ لذا ما در کتابخانه ملی شیوه استاندارد تدوین کردیم، اما متأسفانه بسیاری از استادان این شیوه را هم قبول ندارند. بنابراین ما فکر کردیم بهتر است از همه استادان دعوت به عمل آوریم و از آنها بخواهیم طی یک کار گروهی بر روی یک شیوه مشخص به اجماع برسند تا این شیوه ضمانت اجرا بیابد. در مورد شیوه اطلاع‌رسانی هم قصد داریم از این طریق به یک شیوه استاندارد برسیم تا بدین صورت شیوه‌نامه‌های ما ضمانت اجرا داشته باشد.

**به نظر می‌آید که کارهای مختلفی که در این زمینه انجام شده است از نظر بنیان‌های پژوهشی، تفاوتی با هم ندارند؛ برای نمونه بین فهرست جناب گل‌باز با فهرستواره استاد منزوی تفاوت بنیادی‌ای وجود ندارد.**

**عظیمی:** بله تقریباً همین‌طور است. آقای گل‌باز، تمام فهرست‌های داخل کشور را داخل رایانه تایپ کرده است، یعنی اینکه فهرست ایشان امکان جست‌وجوی ماشینی دارد؛ حال آنکه فهرستواره منزوی دستی است و کار منزوی در مقایسه با کار گل‌باز بسیار محدود است. کار گل‌باز شامل ۲۸۰ هزار عنوان کتاب است که از نظر حوزه مشمول، کل ایران را شامل می‌شود و نیز نسخه‌هایی هستند که بر روی آنها کار نشده است. ضمن اینکه نسخه‌هایی که انتخاب می‌کنیم عموماً نسخه‌هایی هستند که قابلیت تحقیق دارند و متناسب رساله دوره فوق لیسانس و دکتری هستند. تاریخ، ادبیات فارسی، ادبیات عرب و الهیات از جمله رشته‌هایی هستند که با نسخ خطی در ارتباطند و دانشجویان این رشته‌ها می‌توانند به عنوان پایان‌نامه فوق لیسانس و دکتری بر روی این نسخه‌ها کار کنند.

یکی دیگر از رشته‌هایی که ظرفیت کار در زمینه نسخ خطی را دارد، رشته تاریخ علم است. البته رشته هنر نیز همین‌طور است، دانشجویان این رشته می‌توانند در زمینه جلد نسخ خطی، مینیاتورها، تاریخ ساخت کاغذ، بررسی روند ساخت کاغذ، تکامل و تطور خط و تطور تزئینات به بررسی نسخ خطی بپردازند و در این زمینه کارهای آکادمیک و پایان‌نامه‌ای زیادی می‌توان انجام داد.

**از شما سپاسگزارم که اطلاعات لازم در زمینه نسخ خطی را در اختیار ما و همچنین خوانندگان ما قرار دادید.**